

آقای مسعود صدر

تلویزیون پارس

امیرفیض- حقوقدام

تصمیم جنابعالی دائر بقطع برنامه های تلویزیونی آقای فخرآورگرچه بسیاردیر ولی بهرحال نافع ومورد انتظاربود وجای تشکرش محفوظ است.

عارف رومی بیٹی دارد که فکر میکنم میتوانم با سرکاردرمیان بگذارم؛ زیرا چندان غریبه با روابط شما و فخرآور نیست او گفته است:

جانور فربه شود لیک از علف آدمی فربه ز عز است و شرف

سرکاربا ۳۵ برنامه تلویزیونی کسی را به قول نویسنده روضت الصفا

شانی که به خاک ره برابرشده بود برداشتی وبه زر برابر کردی

به عزت و شرافت واعتماد عمومی مزین ساختید. تخصیص ۳۵ برنامه علامت شخصیت ومهم دانستن افراد است؛ نمیدانم شاید بتوان گفت که هیچ ایرانی تاکنون چنین موقعیتی نصیب نداشته است که سرکار ارزانی کسی داشته اید که:

روزگراین گندم نمای جو فروش برکند از بیخ وبن راحت کند مخلوق را

کم نیستند کسانی که فقط آرزوی حضور نیم بند دریک برنامه تلویزیونی سرکاررا داشته باشند.

اگربخوایم یک تشبیهی دراین مورد آورده شود همانند آن است که گرگ زاده ای که مصداق این بیت معروف است:

چشم بهی مدارازاین قوم بد سکال کآنجا شرافت هرکس دست خوردنی است

گرگ زاده ای، درکنف حمایت مرد بزرگواری سالها زیست ولوحه انس بگرفت که آن گرگ زاده بد سگال، دیگری شده ودست آموز ورفیق انسان ها گردیده؛ و مردم از او نهراسید که گرگ نیست وانسانی ازماست؛ که از دیار کفرگریخته است، وپس از ۳۵ سال حمایت وهمراهی ومعرفی آن ناکس و خاک ره به کسان وناکسان بعنوان زر بازیافتنی اگر بهرذلیلی آن گرگ زاده معروف شده، از عنایت آن بزرگوار دور شد؛ آیا تاثیر مردمی بودن آن گرگ زاده دربین مردم فراموش شدنی است وبموازات تغییر تصمیم آن بزرگوار همه مردم درجهت تجدید نظردربرداشت قبلی خود قرارخواهند گرفت؟ البته که خیر.

اینجاست که بزرگان گفته اند >مردان بزرگ و معلمان جامعه نباید هرچه ببینند، حکایت کنند و هرچه شنوند، روایت آغاز کنند< زیرا اگر معلمان و صاحبان رسانه ها به اهمیت نقش خود در بهسازی و یا ویرانه سازی جامعه اهمیت ندهند با همه موقعیتی که برای خود قائل هستند مشمول این قاعده رقم خورده میشوند.

نشوید آب صد دریا از او ننگ

اگر آلوده شد گوهر به یک ننگ

چقدر متأسفم که حضرتعالی از مورد بردیا پارس قلبی ذخیره ای از تجربه بکار نبستید و چقدر مایلم و امید وار که این آخرین بی احتیاطی سرکار باشد.

با احترام و آرزوی پیروزی